

در طواف شمع

می‌گفت این سخن پروانه‌ای

● محمد کاظم زرین قلم

فرزند مرحوم استاد ابراهیم زرین قلم

استاد ابراهیم زرین قلم را باید از خطاطانی به
شمار آورد که به برکت عمر طولانی و مدت فعالیت
(تقریباً از ۱۳۰۵ خورشیدی تا ۱۳۷۳، یعنی نزدیک به
هفتاد و پنج سال) از نادرترین افراد در این زمینه است.
او نستعلیق و مخصوصاً شکسته را بسیار زیبا
می‌نوشت و گاه به نسخ و ثلث می‌پرداخت.

استاد در سال ۱۲۸۳ خورشیدی در شهر زنجان
از پدری تبریزی (حاج اسماعیل عاصمی) و مادری
زنجانی ولی تبریزی والاصل (ام البنین) به دنیا آمد.
پدرش که هنگام تولد او تاجری فرو افتاده از جایگاه
بود، به ابراهیم گفت تو باید به کاری پردازی که
گرددش زمانه نتواند سرمایه‌ات را از چنگ تو در آورد.
پس او را نزد میرزا عبدالجبار خمسه‌ای که از خطاطان
بنام او آخر دوره قاجار است (۱) به شاگردی سپرد.
ابراهیم یکسال نزد استاد عبدالجبار رفت. پیری و
بی‌حوصلگی و رنجوری عبدالجبار او را فراری داد،
اما علاقه او به خط باعث شد که پدرش او را نزد یکی از
همکاران خود که خط بسیار زیبایی داشت و خود قبلاً
شاگرد میرزا عبدالجبار بود سپرد. او استاد معروف
شیرین کار محمد ولی کیمیا قلم بود (۲) و هم او بود که
پس از اندکی تعلیم، ابراهیم عاصمی را وادار کرد که

نام خانوادگی خود را به زرین قلم تغییر دهد.

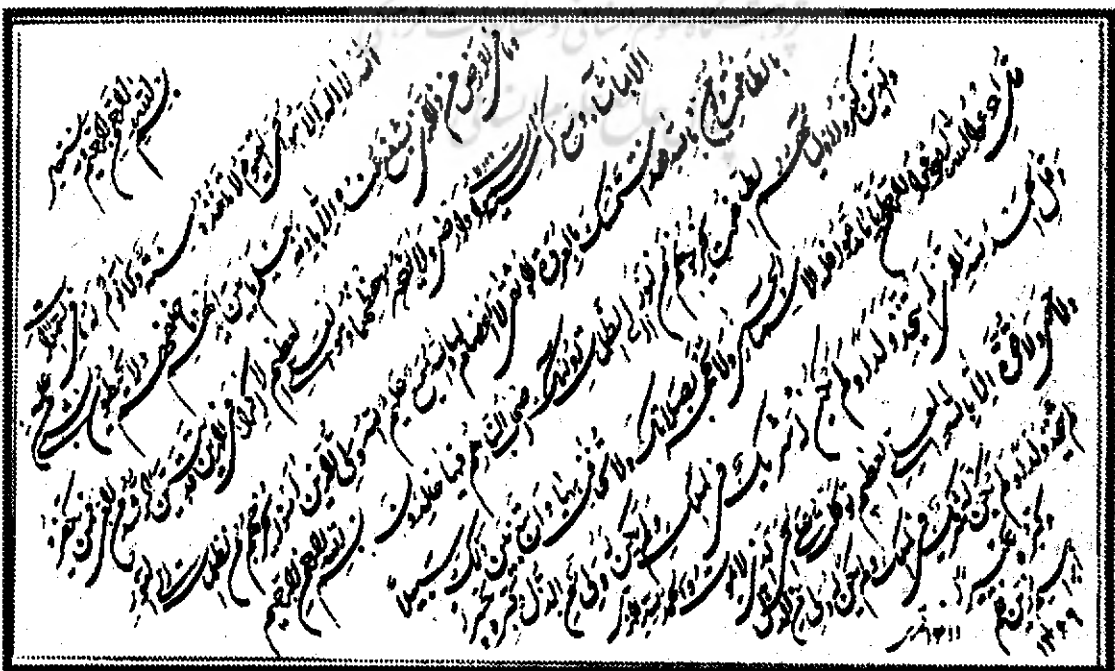
کیمیا قلم، نستعلیق و مخصوصاً شکسته را زیبا و به شیوه و روش عبدالمجید می‌نوشت و شاگرد خود را هم به همین راه برد. کیمیا قلم، خط با ناخن را بسیار قوی و تقریباً بی‌نظیر می‌نوشت. این طرز کار را هم زرین قلم یاد گرفته بود، اما علاقه زیادی به آن نشان نمی‌داد.

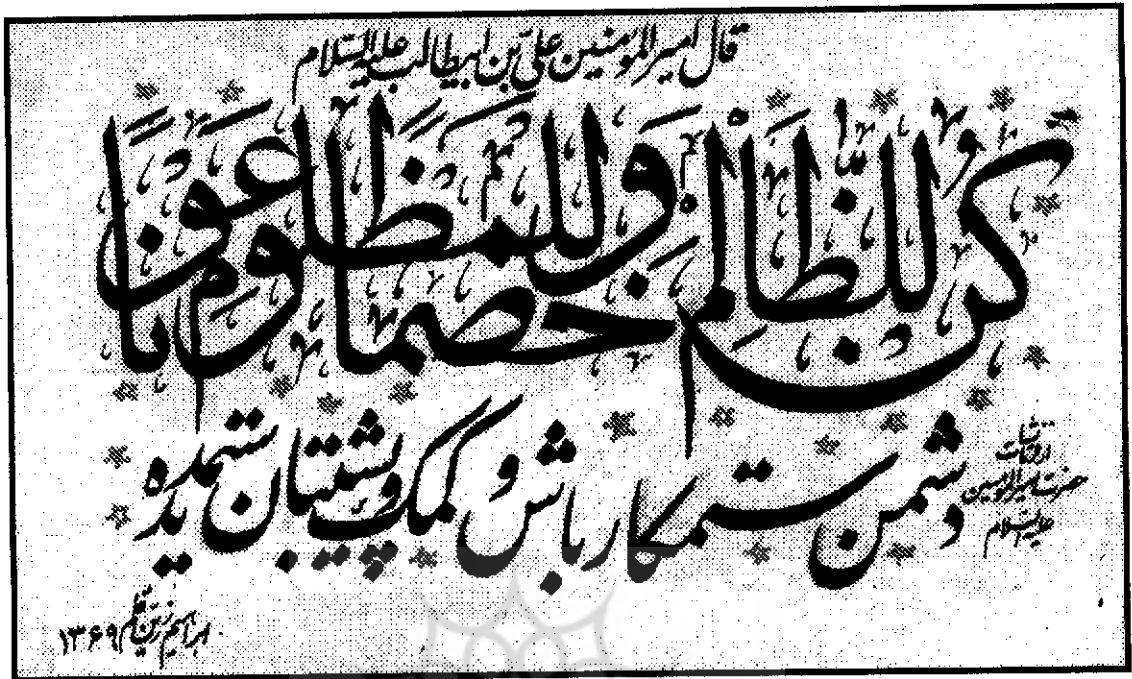
زرین قلم در آغاز جوانی پدر را از دست داد و ناچار شد که نان آور خانه شود. زیرا فرزند بزرگتر بود. ناچار در وزارت فرهنگ استخدام شد و به تعلیم خط پرداخت. محیط کوچک آن روز زنجان که خریدار هنر نبود، زندگی را بر او تنگ و محدود کرده بود. ناچار در سال ۱۳۱۷ به تهران مهاجرت کرد و چون کسی را برای نوشتن فرمان‌ها نمی‌یافتند و امیرالکتاب هم به این کار راضی نمی‌شد، خط او را پسندیدند. او که کار دیگری نمی‌یافت ناچار در تشریفات دربار استخدام شد، اما با جدا شدن تشریفات از دربار و پیوستن به وزارت خارجه، در آنجا مشغول شد و تا بازنشستگی (۱۳۳۸) در آن وزارتخانه کار کرد.

ابراهیم زرین قلم تربیت مذهبی خاصی داشت،

بطوری که چند روز پس از استخدام در تشریفات دربار به نزد امام جمعه زنجان (مرحوم محمود مجتهدی) رفت و داستان کار خود - اجبار از یکسو و نارضایتی از سوی دیگر - را به او گفت. مجتهدی از رجالی مثال آورد که در دستگاه خلافت به نفع مردم کار می‌کردند. زرین قلم این شیوه را پیش گرفت و مخصوصاً در سالهایی که در عراق انجام وظیفه می‌کرد (۱۷ سال) خدمت به ایرانیانی را که به دلایل مختلف، مهاجرت کرده بودند یا به زیارت می‌رفتند وجهه همت خود قرار داد به طوری که در سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۸ معروفترین ایرانی مقیم عراق بود و نام او و شخصیتش مورد احترام آقا بزرگ تهرانی (مؤلف الذریعه)، آیت‌الله خوئی و دیگران بود و روابط دوستانه و ارادت آمیزی با ایشان داشت.

زرین قلم پس از استقرار در تهران نزد خطاطان معروف تهران رفت و از هر یک نکته‌ای آموخت. عبدالحمید ملک الکلامی و حسن زرین خط بیش از همه در او اثر کردند و یکی - دو تن از شاهزاده‌های قاجار که نستعلیق را به شیوه میرزا غلامرضا اصفهانی





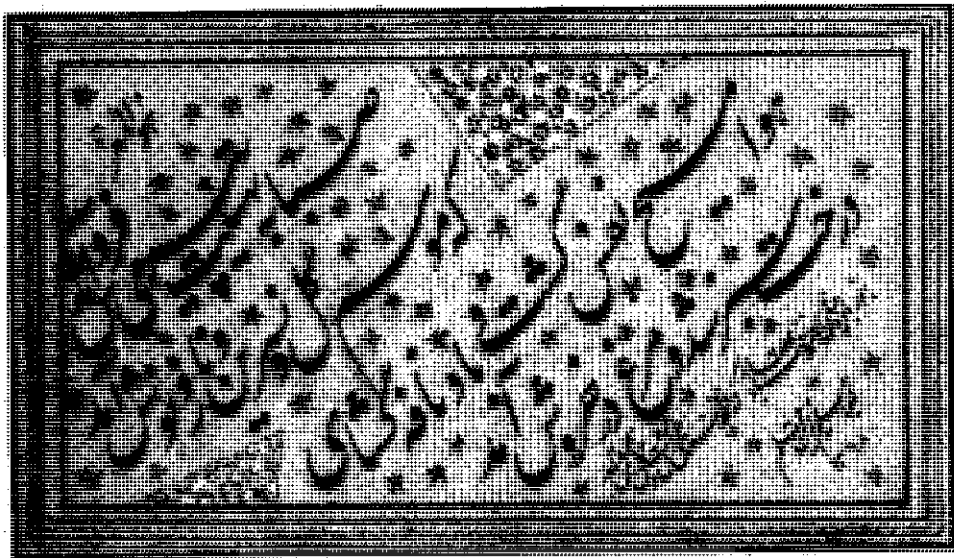
نستعلیق نویس بود. اما شکسته، مخصوصاً غبار را بهتر می‌نوشت. در تقلید از خط میرعماد، بسیار قوی بود، اما در عین شیفتگی به خط میرزا غلامرضا با ظرائف کار او ارتباط برقرار نمی‌کرد. او با خطاطان بزرگ ترکیه، مثل حامد، و عراق، مثل هاشم، دوستی و ارتباط داشت. در مدت یک سالی که در ترکیه انجام خدمت کرد، روابط او با حامد بسیار نزدیک و دوستانه بود. هر دو، خط همدیگر را می‌ستودند و به هم یادگار داده‌اند. پس از آغاز کار در عراق (۱۲۳۰)، زرین قلم از کار حرفه‌ای دست کشید و کار او ذوقی شد و فقط چند کتاب از جمله دیوان حافظ (چاپ خانلوی ۱۲۲۸ تهران) را نوشت.

زیباترین کارهای او قطعاتی است که برای بقاع عراق مخصوصاً حرم حضرت علی (ع) نوشته و یکی از آنها تا آغاز جنگ ایران و عراق در حرم آویخته بود. هم اکنون سر در ورودی حرم حضرت اباعبدالله...الحسین (ع) با کتیبه‌ای به خط وی مزین است. علاقه مذهبی و هنری او باعث شده بود که صدها بار سوره‌های توحید، حمد، و ان یکان، آیات منفرد قرآن، چند حدیث و اشعاری را در ستایش بزرگان دین یا در

می‌نوشتند. او برای تأمین زندگی خود، خواهر و خواهرزادگانش که با مرگ ناگهانی و غیر منتظره داماد جوان و دوست صمیمی او رخ داد، مجبور شد بعد از ظهرها هم به کار بپردازد. دفتری در ناصرخسرو داشت با عنوان دارالتعلیم زرین قلم، در آن روزها خطاطان نام دفتر خود را دارالتعلیم می‌گذاشتند. ملک الکلامی و زرین خط هم چنین بودند. بعدها این دفتر به لاله زار انتقال یافت و تا سال ۱۲۳۰ که به مأموریت عراق رفت در آنجا با ابوالفتح رسام عرب زاده (نقاش و گراورسازی که به فرشبافی معروف شده است) همکاری می‌کرد.

زرین قلم با علاقه‌ای که به هنر (نقاشی - مینیاتور، شعر و ...) داشت خیلی زود به محافل تهران راه یافت و با شاعران و نقاشان تا همان سال ۱۲۳۰ در تماس بوده که معروفترین آنها ملک الشعراء بهار بود. قطعه‌ای از یک غزل بهار را نوشته و با مینیاتور و تذهیب آراسته بود: در طواف شمع می‌گفت این سخن پروانه‌ای ... این قطعه از شاهکارهای او بوده و به سرقت رفت.

زرین قلم اگرچه خطاط حرفه‌ای و معمولاً



اخلاق، حکمت و امثال آن بنویسد. پس از آنها، به اشعار حافظ بیش از همه علاقه داشت. یک قرآن کامل دستنویس هم از او باقی است.

پاورقی‌ها:

- ۱- در مورد شرح حال او، متأسفانه منبعی وجود ندارد. کتیبه دیوان خارجی صحن قدیم قم به خط اوست با امضای عبدالجبار خیمه. در آنجا خط او به خطوط میرزا غلامرضا و کلهر پهلوی می‌زند. چه حد وسط ایشان است. معاصران در مورد او کوتاهی کرده‌اند و گمنام مانده است. او در حدود ۱۲۹۹ در گذشته است. امام جمعه زنجان (محمود مجتهدی) از شاگردان او بوده است. نمونه خط هر دو را در اثر زیر ببینید. حصوری، علی، مجمع پریشانی تهران ۱۳۶۲
- ۲- محمد ولی کیمیا قلم زنجانی شاگرد چند تن از خطاطان زنجان است که متأسفانه همگی گمنام مانده‌اند، از جمله میرزا عبدالجبار خیمه. او در شهر زنجان به تجارت می‌پرداخت، اما در سنین پیری به تهران مهاجرت کرد و جانشین شاگرد خود ابراهیم زرین قلم در کانون آگهی مینیاتور و همکار عرب زاده شد (۱۳۲۸) اما خیلی زود جدا شد و مستقلاً به کار پرداخت و در سال ۱۳۳۹ در تهران درگذشت.

شیوه خط زرین قلم تا حدود ۱۲۲۰ به شیوه کیمیا قلم و عبدالجبار نزدیک بود، اما کم کم به شیوه میرعماد گرایش یافت و پس از ۱۳۳۰ استقلال یافت. بهترین کارهای او متعلق به ۱۲۲۰ تا ۱۲۵۰ خورشیدی است، اما تا روزی که درگذشت، یعنی در روز ۸ ماه مرداد سال ۱۲۷۳، و علیرغم ناراحتی چشمهایش و تقریباً نابینا شدن یکی از آنها، می‌نوشت. در آن روز هم با یکی از دوستانش درباره نقاشی گفت و گو می‌کرد که پس از نود سال کامل قمری به سکنه قلبی درگذشت. او در سال ۱۳۲۱ ازدواج کرد و هفت فرزند داشت.

از میان خط‌های او قویتر از همه شکسته‌هایی است که به قلم غبار نوشته و چنان که اشاره شد، به شیوه درویش عبدالمجید نزدیک‌تر است. پس از آن نستعلیق‌هایی است که به شیوه میرعماد نوشته است. استاد ابراهیم زرین قلم به مال دنیا کم اعتنا بود و به هنر و توانایی خود بیشتر اتکاء داشت. پس از انقلاب، صرفاً با حقوق بازنشستگی زندگی کرد. علائق عارفانه مذهبی، از او انسانی معتقد و وارسته ساخته بود. شوخ طبع، خوش مشرب و آسان نگر بود